

## مقاله پژوهشی: بررسی مقایسه‌ای راهبردهای ایران و آمریکا در مقابله با داعش

رضا خلیلی، حسین شیخ‌زاده، محمد مزینی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

### چکیده

داعش به عنوان یک گروه تروریستی با رفتارهای غیرانسانی خود واکنش بسیاری از کشورهای جهان را برانگیخته و آنها را به اتخاذ راهبردهایی برای مقابله واداشته است. هدف این مقاله مقایسه راهبرد ایران و آمریکا در مقابله با داعش است. پرسش اصلی این است که راهبرد جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در مواجهه با داعش چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته‌اند؟ فرضیه مقاله این گونه صورتبندی می‌شود که اهداف متفاوت و متضاد ایران و آمریکا و ماهیت متفاوت تهدیدهای داعش برای این دو کشور باعث اتخاذ راهبردهای متفاوت از سوی آنها گردیده است؛ راهبرد آمریکا در مقابله با داعش مبتنی بر حفظ نظم بین‌المللی و منطقه‌ای موجود و راهبرد ایران مبتنی بر تغییر نظم بین‌المللی و منطقه‌ای موجود بوده است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است و بر مبنای روش مقایسه‌ای، چهار رویکرد نظامی-امنیتی، سیاسی-دیپلماتیک، اقتصادی-مالی و فرهنگی-اجتماعی جهت مقابله با داعش مورد ارزیابی و بر این اساس راهبردها و تاکتیک‌های دو کشور مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ایران و آمریکا در عین برخی اقدامات مشابه در مقابله با داعش، راهبردهای متفاوتی را متناسب با اهداف و منافع خود و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌شان در قبال این گروه دنبال کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** مطالعات مقایسه‌ای، مقابله با تروریسم، آمریکا، ایران، داعش.

<sup>۱</sup> دانشجوی گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) Rezakhalili1@khu.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی.

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه فردوسی.

## مقدمه

منطقه غرب آسیا در طول تاریخ محمل جنگ‌ها و منازعات خونین و همچنین مرکز ثقل سیاست بین‌المللی بوده است. تحولات این منطقه بارها موازنه قدرت را به نفع یا ضرر قدرت‌های بزرگ بر هم زده است؛ به گونه‌ای که بازیگران قدرتمند منطقه‌ای و بین‌المللی را بر آن داشته تا با ایجاد سازوکارهایی از فرصت‌ها و تهدیدهای ظهور یافته در منطقه برای پیشینه ساختن منافع راهبردی خود حداکثر بهره را ببرند. بدون شک گروه تکفیری-تروریستی داعش یکی از همین تهدیدها در منطقه بوده که بی‌رحمانه‌ترین بازی‌های مرگبار تاریخ را در مقابل دیدگان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به نمایش گذاشته و همه بازیگران را بر آن داشته تا به مقابله با آن پردازند. داعش که از دل گروه‌های سلفی مانند القاعده بیرون آمده، جمهوری اسلامی ایران به عنوان هسته مرکزی تشیع را دشمن اصلی خود دانسته و تلاش کرده ضمن به خطر انداختن منافع ایران در عراق و سوریه و ایجاد ناامنی در مرزهای آن، به درون مرزهای جمهوری اسلامی نیز نفوذ کند. البته دامنه فعالیت‌های تروریستی داعش به فراتر از مرزهای خاورمیانه نیز رفته و اهداف و منافع کشورهای غربی از جمله آمریکا و برخی کشورهای اروپایی را نیز مورد تهدید قرار داده است. همین گستردگی فعالیت‌های تروریستی داعش و تبدیل آن به یک تهدید جهانی باعث شده به همان میزان که قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ایران از جانب آن احساس خطر کنند، قدرت‌های بزرگ جهانی از جمله آمریکا نیز آن را تهدیدی علیه اهداف و منافع خود و هم‌پیمانان تلقی نمایند و هر یک با روش خود و بر اساس منافع و ملاحظات امنیتی خود با آن مقابله کنند. بر این اساس گرچه آمریکا نیز مبارزه با داعش را در دستور کار امنیتی خود قرار داده و هزینه‌های بسیاری را برای مقابله با آن صرف کرده است، اما مواضع این کشور در برابر داعش با مواضع کشورهای دیگر از جمله ایران تفاوت اساسی دارد. بخشی از این تفاوت‌ها و تضادها به ماهیت و اهداف گروه داعش باز می‌گردد و بخشی دیگر به منافع متفاوت و حتی متضاد ایران و آمریکا در منطقه، به ویژه در عراق و سوریه (به عنوان کانون عملیات نظامی داعش) مربوط می‌شود.

با توجه به احساس تهدید ایران و آمریکا از جانب داعش از یکسو و ناهمگرایی اهداف و منافع و رویکردهای دو کشور در عرصه بین‌المللی از سوی دیگر، مقایسه راهبرد آنها در مقابله با گروه داعش نیاز به کنکاش و مطالعه علمی دقیق دارد. لذا مسأله اصلی این مقاله مطالعه مقایسه‌ای راهبردهای ایران و آمریکا در مقابله با این گروه تروریستی می‌باشد که تاکنون مورد توجه جدی نیز نبوده است.

بر این اساس با توجه به ضعف ادبیات نظری و اهمیت شناخت راهبردهای ایران و آمریکا در مقابله با داعش برای نظم و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، به بررسی مقایسه‌ای راهبرد جمهوری اسلامی ایران و

آمریکا در قبال این گروه می‌پردازیم. پرسش اصلی ما این است که راهبرد جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در مواجهه با داعش چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته‌اند؟ فرضیه ما این است که اهداف متفاوت و متضاد ایران و آمریکا و ماهیت متفاوت تهدیدهای داعش برای این دو کشور باعث اتخاذ راهبردهای متفاوت از سوی آنها گردیده است؛ راهبرد آمریکا در مقابله با داعش مبتنی بر حفظ نظم بین‌المللی و منطقه‌ای موجود و راهبرد ایران مبتنی بر تغییر نظم بین‌المللی و منطقه‌ای موجود بوده است. در راستای بررسی و آزمون این فرضیه در مرحله گردآوری داده‌ها از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای بهره می‌بریم و در تحلیل داده‌ها نیز از روش تاریخی استفاده می‌کنیم و اهداف و راهبرد دو کشور را با استفاده از منابع دست اول و اسناد تاریخی مرتبط مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌دهیم. بدین منظور ابتدا ضمن مرور رویکردهای نظری مختلف به تمهید چارچوبی نظری-مفهومی برای مقایسه راهبرد مقابله با تروریسم داعش می‌پردازیم، سپس رویکردها و راهبردهای ایران و آمریکا را به تفکیک مورد بررسی و مقایسه قرار می‌دهیم و در نهایت آنها را به صورت مقایسه‌ای بررسی و تحلیل می‌کنیم.

### مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

بررسی آثار و پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقابله با تروریسم داعش نشانگر آن است که سه دسته آثار در این زمینه وجود دارد؛ دسته اول آثاری هستند که به بررسی راهبرد کشورهای دیگر در قبال داعش پرداخته‌اند. در این راستا محمدعلی قاسمی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «استراتژی ترکیه در مقابل داعش» به بررسی راهبرد ترکیه در مقابله با داعش پرداخته و سیاست انفعال و اغماض این کشور در قبال داعش را مورد نقد قرار می‌دهد. مجتبی سپاهی، مریم منوچهری و محمدمهدی روحانی (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی با عنوان «راهبرد فرانسه در قبال جریان‌های تکفیری داعش در سوریه و عراق» به بررسی نقش فرانسه در مقابله با جریان‌های تکفیری در سوریه و عراق پرداخته و چنین نتیجه می‌گیرند که سیاست فرانسه در قبال داعش از سیاست آمریکا تبعیت می‌کند.

دسته دوم آثاری هستند که به بررسی موردی راهبرد آمریکا در قبال داعش پرداخته‌اند. بر این اساس کریستوفر بلانچارد و کارلا بیل (Blanchard and Bill, 2018) در پژوهشی با عنوان «دولت اسلامی و سیاست آمریکا» به مقایسه راهبرد دولت اوپاما و دولت ترامپ برای مقابله با تهدیدهای داعش می‌پردازند. علیرضا میریوسفی اول (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تناقضات راهبرد ضد داعش ایالات متحده آمریکا» موضوع همکاری با ایران» به ارزیابی راهبرد آمریکا در قبال داعش پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که تناقضات راهبرد آمریکا در مورد داعش بیانگر اختلافات سیاست داخلی این کشور می‌باشد. بوزیس

(Bouzis, 2015)، در تحقیقی با عنوان «مقابله با دولت اسلامی: اقدامات ضدتروریسم در ایالات متحده»، تاکتیک‌ها و راهکارهای ایالات متحده برای مقابله با داعش را مورد بحث قرار می‌دهد. کرونین ( Cronin, 2014) در تحقیقی با عنوان «راهبرد کلان ایالات متحده و ضدتروریسم» معتقد است با توجه به تلاش ده ساله و هزینه یک تریلیون دلاری آمریکا برای پاسخ به حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به دشواری می‌توان گفت راهبرد ضدتروریسم ایالات متحده به اهداف مورد نظر دست یافته است.

در نهایت آثاری هستند که هدفشان بررسی موردی راهبرد ایران در قبال داعش بوده است. در این چارچوب، رضا خلیلی (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد ایران در قبال داعش: رویکردی نظری» ضمن بررسی پنج رویکرد تاریخی، مذهبی، هویتی، سیاسی و استراتژیک معتقد است راهبرد موثر ایران علیه داعش باید مبتنی بر رویکرد استراتژیک باشد. افتخاری و شبستانی (۱۳۹۰) در اثر تحقیقی خود با عنوان «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم» به بررسی ابعاد راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم می‌پردازند. اسفندیاری و طباطبایی (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «سیاست ایران در برابر داعش» بر این باورند که تصور حل بحران داعش بدون هیچ گونه هماهنگی بین ایالات متحده و ایران و همچنین بین عربستان سعودی و ایران دشوار است. آنها در تحقیقی دیگر با عنوان «مقایسه استراتژی ایران و آمریکا در مقابله با داعش» معتقدند راهبردهای ایران و ایالات متحده در مقابله با داعش، با وجود برخی شباهت‌های اعلامی، اساساً متفاوت است. کرمی و سهرابی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی و سنجش تهدیدات داعش علیه ج.ا.ایران در دو مقطع قبل و بعد از فروپاشی» از طریق سندکاوی و با استفاده از نظر کارشناسان امنیتی معتقدند، برآیند تهدیدات داعش علیه ج.ا.ایران، بعد از فروپاشی، نسبت به زمان استقرار آن نه تنها کاهش نیافته، بلکه دارای روند افزایشی است؛ زیرا در شرایط بعد از فروپاشی، امکان بکارگیری ظرفیت‌های این گروه علیه ایران بیشتر فراهم شده است. تاکید بر استمرار منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا مبتنی بر شکلی جدید از اندیشه داعشی و تلاش برای ناامنی و بحران‌سازی در این منطقه از طریق استمرار اقدامات تروریستی در دوران پساداعش توسط مصطفی ساوه درودی (۱۳۹۷) نیز مورد تاکید قرار گرفته است. در عین حال که هر کدام از این پژوهش‌ها به ابعاد و زوایایی از تهدید داعش و راهبردهای مقابله کشورهای دیگر و ایران بر علیه آن می‌پردازند، اما هیچ کدام از آنها مقایسه هم‌زمان راهبردهای ایران و آمریکا در مقابله با داعش را مورد توجه قرار نداده‌اند. در واقع در ادبیات موجود فقط یک مقاله (Esfandiari and Tabatabaei, 2016) به بررسی مقایسه‌ای راهبرد ایران و آمریکا در قبال داعش پرداخته است که هم از نظر زمانی و هم از نظر مبانی و روش بررسی تفاوت‌های قابل توجهی با این مقاله دارد.

## مقابله با تروریسم؛ رویکردها و راهبردها

تروریسم به استفاده از خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک گفته می‌شود. در واقع تروریسم نماد استفاده غیرقانونی از خشونت یا ارباب، به خصوص علیه غیرنظامیان، برای دستیابی به اهداف سیاسی است. تروریسم و به تبع آن مقابله با تروریسم موضوعی چندبعدی و پیچیده است که بر اساس رویکردهای نظری مختلف به آن پرداخته شده و راهبردهای مقابله با آن نیز مختلف و متفاوت هستند. بر این اساس با بررسی و نقد ادبیات موجود می‌کوشیم به چارچوبی مفهومی-نظری برای مقایسه رویکردها و راهبردهای مقابله با تروریسم دست یابیم. در ارتباط با موضوع مقابله با تروریسم به صورت کلی و تروریسم داعش به صورت خاص رویکردها و راهبردهای گوناگونی وجود دارد که آنها را در قالب چهار بخش نظامی-امنیتی، سیاسی-دیپلماتیک، اقتصادی-مالی و فرهنگی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### رویکرد نظامی-امنیتی

در رویکرد نظامی-امنیتی به تروریسم، هدف اصلی برخورد نظامی با این پدیده است. در واقع این رویکرد به شکل آشکاری تمایل به استفاده از ابزار نظامی دارد و متضمن اقدام نظامی مستقیم علیه سازمان‌های شبه نظامی مانند داعش، به ویژه در شرایطی است که محل استقرار فیزیکی مشخصی داشته باشند (راجرز، ۱۳۹۰: ۲۷۷). رویکرد یا مدل نظامی-جنگی در مجموع سازوکاری مشابه جنگ دارد، در حالی که طرفداران این رویکرد این واقعت را نادیده می‌گیرند که بسیاری از گروه‌های تروریستی که از ابزارهای نامشروعی بهره می‌گیرند، بعضاً مردمانی را نمایندگی می‌کنند که برخی شکایت‌ها یا مطالبات مشروع دارند یا مستظهر و متکی به اندیشه‌ها و اعتقاداتی هستند که مواجهه نظامی با آنها امکان‌پذیر نیست و بعضاً حتی به گسترش آنها می‌انجامد (Buzan, 2006). برخورد نظامی حتی ممکن است در داخل مرزهای یک کشور صورت گیرد، مثل حمله نظامی ترکیه به حزب کارگران کردستان یا اقدامات نظامی روسیه علیه گروه‌های جدایی طلب چچن (جونز و لیبکی، ۱۳۹۴: ۳۳۳-۳۳۴). این رویکرد در عین داشتن برخی نقاط قوت، به دلیل تأکید خاص بر عوامل نظامی شکل‌گیری گروه‌های تروریستی، از زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بروز این پدیده غفلت می‌ورزد. راهبردهای نظامی-امنیتی برای مقابله با تروریسم می‌تواند شکل تهاجمی یا تدافعی داشته باشد که در ذیل هر کدام می‌توان به اقدامات مختلف از جنگ فراگیر و گسترده تا خنثی کردن عملیات انتحاری اشاره کرد.

### رویکرد سیاسی-دیپلماتیک

هدف اصلی رویکرد سیاسی-دیپلماتیک استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز برای مقابله با تروریسم و یافتن راه‌حل سیاسی برای پایان دادن به آن است. طرفداران این رویکرد معتقدند برای مقابله صحیح و موثر با تروریسم باید به پیام سیاسی آن توجه نمود. از دید طرفداران این رویکرد برای مقابله موثر با تروریسم باید به آینده نگریت و با ریشه‌کنی نابرابری‌های اجتماعی چون فقر، توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جهل، فقدان تکثرگرایی سیاسی، دموکراسی و مانند آن که جزء مهم عدالت هستند به مقابله با این پدیده پرداخت (Trandfonline, 2001). این نوع نگرش تمایز مشخصی میان تروریسم و دفاع از خود قایل است و حق غیر قابل نقض تعیین سرنوشت و استقلال تمامی انسان‌هایی که تحت استعمار و رژیم‌های نژادپرست و دیگر اشکال سلطه بیگانگان و اشغال خارجی به سر می‌برند را به رسمیت شناخته، مشروعیت مبارزات آنان، به ویژه مبارزه جنبش‌های آزادی‌بخش ملی را تأیید می‌کند (United Nations, 2005). راهبرد سیاسی-دیپلماتیک یا ناظر بر حفظ وضع موجود است یا به دنبال تغییر وضع موجود که در ذیل آنها از روش‌هایی چون حمایت از حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی مخالف نظام موجود تا تشکیل اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و سفرهای دیپلماتیک استفاده می‌شود.

### رویکرد اقتصادی-مالی

رویکرد اقتصادی-مالی به دنبال آن است که با استفاده از اهرم فشار مالی به مقابله با تروریسم بپردازد. این رویکرد به ویژه پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا که توجه به سیستم‌های غیررسمی نقل و انتقال پول در جهان جلب شد، مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس کنترل مبادلات مالی گروه‌های مهاجر، به ویژه کارگران مورد توجه قرار گرفت (طیب، ۱۳۸۲: ۸۹؛ موسوی مقدم، ۱۳۸۲: ۲۱۱؛ سلیمی، ۱۳۸۱: ۴۱) و با وضع قانون مبارزه با تروریسم و مقررات مبارزه با پول‌شویی در آمریکا شدت یافت (راینسون، ۱۳۸۱: ۲۵). در واقع بر اساس رویکرد اقتصادی-مالی، مهم‌ترین راهکار مقابله با تروریسم به حداقل رساندن توان مالی گروه‌های تروریستی است و تحقق این هدف نیازمند اقداماتی مانند تشدید مقررات پولی و بانکی و شفاف‌سازی تراکنش‌های مالی بین‌المللی می‌باشد (خمامی‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۱۴). راهبرد اقتصادی-مالی از مقابله با تامین مالی تروریست‌ها به صورت واکنشی تا افزایش حمایت اقتصادی از افشار آسیب‌پذیر در مقابل گروه‌های تروریستی و حتی کمک به برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورها برای جلوگیری از افتادن به دام گروه‌های تروریستی به صورت فعال و ایجابی را در بر می‌گیرد.

## رویکرد فرهنگی-اجتماعی

رویکرد فرهنگی-اجتماعی در صدد برخورد فرهنگی با تروریسم بوده و اقدامات را معطوف به پیشگیری از شکل‌گیری زمینه‌های اجتماعی آن کرده است. بر اساس این رویکرد، تروریسم به عنوان پدیده‌ای اجتماعی به جای نسبت داده شدن به افراد خاص، به اجتماع یا جامعه نسبت داده می‌شود و محصول زندگی جمعی انسان‌ها به حساب می‌آید (پناهی، ۱۳۹۱: ۲۸) و قوی‌ترین ابزار برای درک تروریسم، کشف انگیزه‌های تروریسم و ارتباط آن با تاریخ، فرهنگ، ایدئولوژی و اهداف گروه‌های درگیر است (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۲: ۹۹). البته نمی‌توان تروریسم را پدیده‌ای کاملاً فرهنگی دانست، اما قسم مهمی از مسئله تروریسم مدرن و معاصر در اهداف، علل، روش‌ها و نتایج، متأثر از جنبه‌های فرهنگی است (Benjamin, 2008: 15; Serafim, 2005: 62). برای مواجهه با این چالش، مهم‌ترین کار هدایت مردم به سمتی است که درکی هوشیارانه از این مسئله پیدا کنند (Benjamin, 2008: 16) و این مهم تحقق نمی‌یابد مگر از راه فرهنگ. البته تروریسم حاصل نفرت‌های دگماتیستی یا نادانی افراد غیرمعقول که به طور تصادفی اتفاق افتاده باشد، نیست؛ زیرا تروریسم در فرایند رسیدن به هدف خود محاسبه‌گرایانه عمل و سعی می‌کند با تحمل کمترین هزینه، بیشترین خسارت را به طرف مقابل وارد کند (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۶۱). از سوی دیگر اقدام تروریستی با هیچ توجیه اخلاقی، فرهنگی، مذهبی و قومی از هیچ گروهی پذیرفتنی نیست (Crenshaw, 2000: 2). راهبرد فرهنگی-اجتماعی مقابله با تروریسم نیز دو وجه سلبی و ایجابی دارد و از کاهش جاذبه‌گرایش به گروه‌های تروریستی تا تغییر نگرش جامعه و فرهنگ‌سازی توسط مطبوعات و رسانه‌ها و گسترش حقوق شهروندی را در بر می‌گیرد.

## چارچوبی برای مقایسه راهبردهای مقابله با تروریسم

مقابله با تروریسم به اقداماتی تدافعی گفته می‌شود که برای کاهش آسیب‌پذیری‌های فردی و اجتماعی از اعمال تروریستی با استفاده از نیروهای نظامی، محلی و مدنی انجام می‌شود (Dod, 2009: ۳۹). این مقابله شامل اقدامات، تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها و راهبردهایی می‌شود که از یکسو مبتنی بر اهداف و رویکردهای نظری خاص کشورها هستند و از سوی دیگر برای مقایسه دقیق باید به شاخص‌هایی قابل بررسی و سنجش تبدیل شوند. ارتباط میان این سطوح را در قالب شاخص‌هایی که از منابع مختلف استخراج شده در جدول زیر مورد بررسی و تبیین قرار می‌دهیم تا در بخش‌های بعد امکان مقایسه دقیق‌تر راهبرد ایران و آمریکا در مقابله با گروه تروریستی داعش را داشته باشیم:

جدول شماره ۱: چارچوبی برای مقایسه رویکردها و راهبردهای مقابله با تروریسم

شاخص‌ها (تاکتیک‌ها/روش‌ها/ابزارها)	راهبردها (کنش‌ها)	رویکردها (اهداف)
جنگ فراگیر/ اقدام پیش‌دستانه/ اقدام پیشگیرانه/ جنگ نیابتی/ بمباران یا موشک‌باران مواضع گروه‌های تروریستی/ عملیات نظامی فرامرزی/ اعزام نیرو و استقرار تجهیزات نظامی/ زدن ضربه نخست	تهاجمی	نظامی-امنیتی
اقدام بازدارنده/ پس گرفتن سرزمین/ دفاع هوایی یا موشکی/ عقب راندن تروریست‌ها از مرز/ خستی کردن عملیات انتحاری یا حمله نظامی/ زدن ضربه دوم	تدافعی/بازدارندگی	
مقابله با نظم امنیتی موجود/ مداخله در امور کشورهای دیگر/ حمایت از حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی مخالف نظم موجود/ عدم پایبندی به حفظ استقلال و تمامیت ارضی واحدهای سیاسی دیگر	تغییر وضع موجود	سیاسی-دیپلماتیک
حفظ نظم امنیتی موجود/ مشارکت یا ایجاد ائتلاف بین‌المللی/ احترام به استقلال و تمامیت ارضی واحدهای سیاسی دیگر/ عدم مداخله در امور کشورهای دیگر/ همکاری متقابل میان بازیگران	حفظ وضع موجود	
از بین بردن دارایی یا توانایی مالی تروریست‌ها/ تحریم افراد شاخص یا کل گروه/ بلوکه کردن دارایی‌ها/ تنبیه و کیفر مالی/ مسدود کردن حساب‌های مشکوک/ مبارزه با پول‌شویی	مقابله واکنشی	اقتصادی-مالی
مقابله با فقر و محرومیت/ ایجاد ثبات اقتصادی/ بهبود فضای کسب و کار/ افزایش سرمایه‌گذاری/ افزایش اشتغال/ توزیع یارانه معیشتی بین اقشار آسیب‌پذیر	مقابله فعال	
جلوگیری از جذب نیروهای جدید/ جلوگیری از گفتمان‌سازی/ قطع ارتباط تروریست‌ها با جامعه و نخبگان/ مسدود کردن فعالیت‌ها در فضای مجازی/ تعقیب، محاکمه و مجازات تروریست‌ها یا حامیان آنها	کاهش جاذبه (سلبی)	فرهنگی-اجتماعی
تغییر نگرش جامعه/ ارتقای سطح سواد و دانش جامعه/ تقرب مذاهب و ادیان/ برقراری گفتگوهای مذهبی، قومی، ملی/ فرهنگ‌سازی توسط مطبوعات و رسانه‌ها/ گسترش حقوق شهروندی	آگاهی‌بخشی (ایجابی)	

انتخاب رویکرد نظامی-دفاعی حاکی از توسل به خشونت در مقابل خشونت به روش‌های مختلف و با شدت و حدت متفاوت می‌باشد، در حالی که رویکرد سیاسی-دیپلماتیک بیانگر توسل به مذاکره، توافق یا حداکثر فشار و تحریم برای مقابله با تروریسم است و متعهد به حل و فصل مسالمت‌آمیز موضوع می‌باشد. البته رویکردهای اقتصادی-مالی و فرهنگی-اجتماعی نیز بر همین فرض استوار هستند، با این تفاوت که در رویکرد اقتصادی-مالی سعی بر آن است که یا با اعمال



فشار بر منابع مالی تروریست‌ها یا با اصلاح و بهبود سیاست‌های اقتصادی در راستای کاهش فشار بر جامعه و تقویت رفاه آن با تروریسم مقابله شود و در رویکرد فرهنگی-اجتماعی سعی بر آن است که با بسترها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی که منجر به رشد ایده‌ها و افکار تروریستی می‌شوند مقابله شود.

با وجود تفاوت در رویکردهای ذکر شده، در هر یک از این رویکردها نیز می‌توان شاهد راهبردهای متفاوت بود. رویکرد نظامی در قالب دو راهبرد تهاجمی یا تدافعی قابل پیگیری است. راهبرد تهاجمی نشانگر روحیه تهاجم و حمله است که خود را در قالب تاکتیک‌ها و تکنیک‌های مختلف بروز می‌دهد، در حالی که راهبرد تدافعی بیانگر تلاش برای حفظ وضعیت موجود و حراست از آن است. در رویکرد سیاسی-دیپلماتیک تفاوت آشکاری میان دو راهبرد تغییر وضع موجود و حفظ وضع موجود می‌توان یافت. راهبرد تغییر وضع موجود توسط بازیگرانی دنبال می‌شود که از ترتیبات سیاسی و امنیتی موجود احساس رضایت نمی‌کنند، اما راهبرد حفظ وضع موجود خواهان به کارگیری همه توانایی‌ها و ظرفیت‌ها برای جلوگیری از برهم خوردن نظم امنیتی موجود است. در رویکرد اقتصادی-مالی نیز حداقل دو راهبرد واکنشی و فعال را می‌توان مورد توجه قرار داد. در راهبرد واکنشی تلاش بر این است که منابع اقتصادی و مالی تروریست‌ها به حدی محدود شود که توان فعالیت خود را از دست بدهند، در حالی که در راهبرد فعال فرض بر این است که با پدیده‌هایی چون فقر، بیکاری، نبود عدالت اجتماعی، فساد و ... که سبب بروز و ظهور تروریسم شده‌اند مقابله شود. در رویکرد فرهنگی-اجتماعی نیز حداقل دو راهبرد سلبی و ایجابی قابل تشخیص است که به جای حذف فیزیکی تروریست‌ها یا منابع آنها به دنبال کاهش حمایت اقشار ناآگاه مردم از اقدامات گروه‌های تروریستی یا جذب شدن توسط این گروه‌ها هستند.

همچنان که مقایسه رویکردها و راهبردها نشانگر تفاوت آشکار میان انواع مقابله با گروه‌های تروریستی مانند داعش است، در سطح شاخص‌ها نیز می‌توان تفاوت‌های به مراتب بیشتری را مشاهده کرد. بر این اساس می‌توان تفاوت آشکاری را میان تاکتیک‌ها، روش‌ها و ابزارهای مرتبط با هر راهبرد در ابعاد مختلف داشت و بر اساس آنها به مقایسه راهبرد مقابله با گروه تروریستی داعش ایران و آمریکا بر مبنای جدول فوق پرداخت.

این تحقیق از نظر نوع، کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. از منظر هدف نیز کاربردی است. از یکسو شناخت نسبت به راهبرد ایران در مقابله با داعش به شناسایی نقاط قوت و ضعف این راهبرد و کاربرد آن در موارد مشابه کمک می‌کند و از سوی دیگر شناخت نسبت به راهبرد آمریکا در مقابله با داعش نیز برای واکنش صحیح و دقیق به آن مورد استفاده‌ی عملی سیاست‌گذاران کشور خواهد بود. داده‌های این تحقیق با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده و در تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز از روش مقایسه تاریخی استفاده شده است.

## یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

### الف: یافته‌های تحقیق

#### رویکرد و راهبرد ایران در مقابله با داعش

رویکرد و راهبرد ایران در مقابله با داعش در حوزه‌های نظامی-امنیتی، سیاسی-دیپلماتیک، اقتصادی-مالی و فرهنگی-اجتماعی به اقتضای مناسبات هر حوزه متفاوت بوده که به تفکیک به بررسی آنها می‌پردازیم:

با مرور کلی سند چشم‌انداز بیست ساله ایران در حوزه دفاعی محورهای همچون ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها، ارتقای توان آمادگی دفاعی نیروهای مسلح در جهت بازدارندگی، حفاظت از منافع ملی و منابع حیاتی کشور، جهت‌گیری خارجی و اتخاذ دیپلماسی فعال در جهت گسترش همکاری‌ها و مشارکت بین‌المللی در راستای حفظ صلح به چشم می‌خورد (ذوالفقاری و خسروی، ۱۳۹۵: ۱۱۳). بر این اساس رویکرد نظامی-دفاعی ایران در مقابله با گروه‌های تروریستی مانند داعش در درجه اول مبتنی بر اصل دفاع بازدارنده و در درجه دوم مبتنی بر حمله پیشیمان‌کننده در مواقع مورد حمله قرار گرفتن از جانب این گروه بوده است.

جمهوری اسلامی ایران در مواجهه نظامی با داعش ابتدا بر دفاع از مردم عراق و سوریه در مقابل این گروه تروریستی تاکید نمود و با حمایت مستشاری نظامی به دولت‌های عراق و سوریه کوشید مانع از پیشروی داعش در این کشورها و البته مانع از نزدیک شدن آنها به اهداف و منافع حیاتی ایران و شیعیان شود، اما از هنگامی که این گروه تروریستی در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ دست به اقدامات انتحاری در داخل خاک ایران زد و ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی را هدف قرار داد، پایگاه آنها در دیرالزور سوریه را مورد حمله موشکی قرار داد. ایران همچنین در بسیاری از مواقع، به ویژه در حوالی پیاده‌روی بزرگ اربعین، در اقدامی بازدارنده با شناسایی مراکز

فعالیت گروه‌های تروریستی-تکفیری مانند داعش در داخل خاک عراق یا سوریه آنها را از طریق نیروهای نظامی این کشورها یا با استفاده از موشک‌های خود مورد هدف قرار داد تا از این طریق مانع از عملیات انتحاری و انغماسی آنها علیه زائران اربعین شود. ایران بنا به درخواست دولت سوریه نیروهای مستشاری نظامی خود را در این کشور نیز مستقر کرد و با همکاری نظامی با سوریه، عراق و روسیه در قالب یک فرماندهی مشترک نظامی به مقابله موثر با این گروه تروریستی پرداخت (مرادی، ۱۳۹۸: ۱۷).

رویارویی نظامی و دفاع از مرزهای کشور در مقابل ورود این گروه تروریستی نیز از جمله اقدامات ایران در حوزه امنیت مرزی بوده است. زمانی که گروه داعش در استان‌های مرزی ایران فضا سازی کرده بودند و زاغه مهمات و نیرو پیش‌بینی و آماده کرده بودند تا در زمان ورودشان با ترور و انفجار، آشوب کنند، نیروهای امنیتی ایران با کشف و خنثی کردن آنها در کمتر از سه روز ۵ تیپ رزمی را برای مقابله با آنها سازمان‌دهی کردند و نیروهای پیاده و بالگرد شناسایی ایران تا ۴۰ کیلومتر به داخل خاک عراق رفتند و آنها را تیرباران کردند. از جمله اقدامات ایران برای خنثی کردن عملیات انتحاری یا حمله نظامی به ایران در آذر ماه ۱۳۹۴ اتفاق افتاد که چهار عروسک بمب‌گذاری شده توسط زائران کربلا به ایران وارد شد که با آگاهی دستگاه‌های امنیتی این توطئه شناسایی و خنثی شد (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۷۹).

در مقابله با تروریسم کشورها معمولاً از دو رویکرد یکجانبه یا ملی و چندجانبه یا جهانی تبعیت می‌کنند (ترابی و رضایی، ۱۳۹۶: ۳۰) و در حالی که رویکرد چندجانبه همیشه موثرتر بوده، اما ایران بایستی از ظرفیت‌های خود در حوزه دیپلماتیک بیشتر استفاده کند. با وجود اینکه تروریسم به صورت خاص و در ارتباط با مسائل دیگر مانند تجزیه‌طلبی یکی از مقوله‌های تهدید کننده امنیت جمهوری اسلامی ایران بوده است، رویکرد سیاسی-دیپلماتیک ایران در مقابله با تروریسم داعش به تمرکز بر تغییر ساختارها و رفتارهای ناعادلانه بین‌المللی برمی‌گردد و ایران فعالیت‌هایش در این زمینه را در این راستا جهت‌دهی کرده است.

بر این اساس راهبرد سیاسی-دیپلماتیک ایران در مقابله با داعش از یکسو مبتنی بر مخالفت با ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا و از سوی دیگر در چارچوب سیاست خارجی مستقل ملی و البته تا حدی هم در همکاری با روسیه، عراق و سوریه بوده است. از یکسو آیت‌الله خامنه‌ای، ائتلاف بین‌المللی ضد داعش را پوچ، توخالی و جهت‌دار دانسته و آن را ناشی از نیت‌های ناصواب واشنگتن تلقی نمود (خامنه‌ای، ۱۳۹۶) و از سوی دیگر همکاری با روسیه برای حفظ منافع جبهه

مقاومت در منطقه همواره مورد تاکید سطوح عالی‌رتبه تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی ایران بوده است که نتیجه آن را در همکاری ایران، روسیه و ترکیه در نشست‌های آستانه می‌توان دید. البته احترام متقابل به حقوق سایر ملت‌ها، به ویژه کشورهای اسلامی، عربی و همسایگان، سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران بوده که مبتنی بر احترام به حق حاکمیت کشورها و عدم مداخله در امور داخلی دیگران و رعایت حسن همجواری است. بر این اساس حتی ایران سعی کرده از دامنه تنش‌ها با مصر و عربستان نیز کاسته و در تقویت و ایجاد نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و همراه کردن دیگر بازیگران منطقه با هدف ایجاد امنیت پایدار و ریشه‌کنی تروریسم در خاورمیانه پیشقدم شود (Zarif, 2016: 20) که البته موفقیت چندانی در این زمینه نداشته است.

با وجود اینکه مقابله اقتصادی با تروریسم، همانند دیگر کشورها، مدت زیادی نیست که در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفته است، اما رویکرد ایران در این حوزه بیشتر مبتنی بر نگاه فعال و تغییر شرایط اقتصادی جامعه به گونه‌ای که بسترهای مادی گرایش به تروریسم از بین برود بوده است تا رویکرد واکنشی و مقابله‌ای. در این حوزه جمهوری اسلامی ایران به توسعه مناطق محروم و توزیع یارانه بین اقشار آسیب‌پذیر توجه خاصی داشته است، هر چند افزایش فشار تحریم‌های بین‌المللی مانع بزرگی برای پیشبرد این سیاست بوده است. البته جمهوری اسلامی ایران به دلیل توان اقتصادی محدود در مقایسه با آمریکا و همچنین به دلیل تحریم‌های بین‌المللی گسترده از جانب آمریکا به اتهام حمایت از تروریسم نتوانسته از راهبرد اقتصادی-مالی منسجم و قابل اتکایی در برخورد با تروریسم برخوردار باشد، اما این بدان معنا نیست که هیچ اقدامی در این زمینه انجام نداده است. ایران در این حوزه بر توسعه اقتصادی، به ویژه در مناطق آسیب‌زا و همچنین تلاش برای کاهش محرومیت و توزیع یارانه بین اقشار آسیب‌پذیر تمرکز داشته که البته نمی‌توان گفت کارنامه کاملاً موفق‌تری در این زمینه داشته است. همچنین ایران در این راستا اقدامات مقابله‌ای حقوقی و قانونی مانند تصویب لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم و قانون مبارزه با پولشویی را نیز انجام داده است (افتخاری و شبستانی، ۱۳۹۰: ۲۸).

جمهوری اسلامی ایران توجه خاصی به تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی در راستای مقابله با تروریسم داعش نشان داده است و با اجرای پروژه‌های ارتقای فرهنگی و اجتماعی، به ویژه در مناطق محروم کوشیده بر نگرانی رخنه‌تدریجی گروه‌های تروریستی و حامیان خارجی آنها با هدف ناامن‌سازی و تجزیه ایران غلبه کند. در واقع رویکرد ایران در این زمینه بیشتر رویکرد

ایجابی و مبتنی بر زمینه‌سازی فرهنگی و اجتماعی یا آگاهی‌بخشی عمومی بوده است تا رویکرد سلبی و مبتنی بر کاهش جاذبه گروه‌های تروریستی، هر چند آن را نیز از نظر دور نداشته است. جمهوری اسلامی ایران با جرم تلقی کردن پیوستن افراد به گروه‌های تروریستی (افتخاری و شبستانی، ۱۳۹۰: ۲۷) و آگاه کردن مردم نسبت به عواقب این امر تلاش کرده بسترهای فرهنگی و اجتماعی شکل دهنده به افکار تروریستی را از بین ببرد. در واقع با اطلاع رسانی‌هایی که ایران در رسانه‌ها و مطبوعات و همچنین سخنرانی‌ها و همایش‌های مختلف در رابطه اقدامات تروریست‌ها به انجام رسانده، توانسته روی ذهنیت مردم در رابطه با آثار و پیامدهای منفی اقدامات تروریستی تاثیرگذار باشد. البته توسعه آموزش و آگاهی‌بخشی عمومی جزئی از حقوق شهروندی است که در منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران هم به آن توجه شده است. همچنین برگزاری هفته وحدت و تلاش برای برقراری گفتگوهای قومی و ملی نیز از دیگر اقدامات فرهنگی و اجتماعی در مقابله با تروریسم بوده که به صورت گسترده در مطبوعات و رسانه‌های رسمی و غیررسمی به آن پرداخته شده است. در خصوص داعش فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی از جمله تهیه مستندهای تاریخی، ساخت فیلم سینمایی و سریال نیز انجام شده است که هدف همه آنها آگاهی‌بخشی نسبت به فعالیت‌های این گروه یا آثار و عواقب پیوستن به آن بوده است.

### رویکرد و راهبرد آمریکا در مقابله با داعش

رویکرد و راهبرد آمریکا در مقابله با داعش نیز در حوزه‌های نظامی-امنیتی، سیاسی-دیپلماتیک، اقتصادی-مالی و فرهنگی-اجتماعی به اقتضای مناسبات هر حوزه متفاوت بوده که به تفکیک به بررسی آنها می‌پردازیم:

با وجود اینکه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر مبارزه با تروریسم به اولویت اصلی سیاست خارجی آمریکا بدل شد و در همین راستا حملات مستقیم نظامی به عراق و افغانستان انجام شد، اما عدم موفقیت در مقابله موثر با تروریسم باعث شد آمریکا دیگر علاقه‌ای به مداخلات مستقیم و سخت نظامی در مقابله با تروریسم نداشته باشد (Ayyob, 2016). بر این اساس آمریکا علاقه چندانی به درگیری نظامی با داعش نداشته و صرفاً به دنبال مدیریت تحولات از طریق نیروهای محلی در منطقه عراق و شام بوده است. بدین ترتیب می‌توان گفت رویکرد نظامی-امنیتی آمریکا در مقابله با گروه تروریستی داعش مبتنی بر دفاع پیشدستانه و پیشگیرانه و مداخله آشکار نظامی در امور کشورها بوده است که نمونه آن را در حمله موشکی به سوریه و همچنین افغانستان به بهانه مقابله

با تروریسم می‌توان دید (ازغندی و جهانگیری، ۱۳۹۷: ۸). همچنین آمریکا در راستای پیشبرد سیاست مداخله‌جویانه خود با دامن زدن به بی‌اعتمادی میان کشورهای منطقه نسبت به هم، موجب ایجاد فضای امنیتی در منطقه شده است تا بدین طریق از یک سو حضور خود را به عنوان حافظ منافع برخی کشورهای منطقه توجیه نماید و از سوی دیگر با فروش تسلیحات نظامی به این کشورها و کسب منفعت، محملی برای آزمایش سلاح‌های جدید خود نیز پیدا کند (پوراحمدی و عباسی، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۰۹).

آمریکا از جنگ‌های نیابتی نیز به ظاهر برای مقابله با تروریست‌های داعش، اما در واقع با هدف کنترل منابع انرژی و حفظ امنیت و ثبات رژیم صهیونیستی از یکسو و برای مهار جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر استفاده کرده (قیاسوندی و ترکاشوندی، ۱۳۹۶: ۱۹۸-۱۹۹) و حتی ایجاد و استفاده گزینشی از داعش در این زمینه نیز مورد توجه مقامات این کشور بوده است. استفاده از هواپیماهای جاسوسی و پهپادها برای کسب اطلاعات و شناسایی دقیق مواضع گروه‌های تروریستی و ارسال کمک‌های نظامی ایالات متحده و سایر کشورهای غربی به مخالفان میانه‌رو بشار اسد استفاده کرد. از حملات هوایی آمریکا به مواضع داعش می‌توان به حمله نیروی هوایی این کشور بر اساس دستور رئیس جمهور اوباما در ۸ اگوست ۲۰۱۴ به مواضع نظامی «دولت خلافت اسلامی» در شمال عراق، حمله تفنگداران دریایی آن در فوریه ۲۰۱۵ به مواضع داعش در عراق یا کشتن سرکرده داعش، ابوبکر بغدادی در بامداد ۵ آبان ۹۸ مصادف با ۲۷ اکتبر ۲۰۱۹ اشاره کرد (تخشید و جلالیان‌مهری، ۱۳۹۴: ۵۰).

اگر چه روی کار آمدن باراک اوباما با شعار تغییر به معنای دست کشیدن آمریکا از منافع به دست آمده در غرب آسیا نبود، اما وی گفتمان غالب در کاخ سفید را به سمت کاهش نظامی‌گری و افزایش دیپلماسی و به ویژه در حوزه دیپلماسی عمومی سوق داد، به طوری که مفاهیمی چون اروپای پیر، اسلام فاشیستی و صلیبیون جای خود به رابطه احترام‌آمیز با جهان دادند (ترابی و رضایی، ۱۳۹۶: ۳۰). بر این اساس می‌توان گفت آمریکا در حوزه سیاسی-دیپلماتیک به تدریج به این نتیجه رسید که باید از مواجهه مستقیم و یکجانبه با تروریسم پرهیز کند و با تشکیل ائتلاف بین‌المللی هم از گزند مستقیم گروه‌های تروریستی در امان باشد و هم سیاست‌های خود را به دیگر کشورها دیکته کند.

در واقع راهبرد سیاسی-دیپلماتیک آمریکا در مقابله با داعش بیش و پیش از هر چیز در بستر تلاش آمریکا برای ائتلاف‌سازی بین‌المللی علیه تروریسم قابل فهم است (الهویی نظری و فامیل

زوار جلالی، ۱۳۹۶: ۱۲۰). البته بدیهی است که هدف آمریکا از این ائتلاف‌سازی نه مقابله موثر با تروریسم و نه حتی دفاع از امنیت این کشورها در مقابل تهدید تروریسم، بلکه تثبیت رهبری خود بر جامعه جهانی و شکل دادن به رابطه حامی-پیرو در سطح جهانی و گشودن باب مداخله در امور دیگر کشورها می‌باشد. به عبارت دیگر آمریکا در این حوزه نیز به دنبال استفاده ابزاری از تروریسم و گروه‌های تروریستی بوده و از یکسو با کمک گروه‌های تروریستی به ایجاد و گسترش بحران‌های امنیتی در خاورمیانه دامن زده و کشورهای منطقه را ترغیب و تشویق به انعقاد پیمان امنیتی یا خرید و انباشت سلاح کرده و از سوی دیگر با تشکیل ائتلاف بین‌المللی برای مقابله با تروریسم خود را در کانون رهبری سیاسی و دیپلماتیک جهانی و به عنوان حامی کشورها و ناظر بر صلح و امنیت بین‌المللی معرفی می‌کند، در حالی که در حقیقت هدفی جز تامین منافع و امنیت خود و هم‌پیمانان و به چالش طلبیدن امنیت رقبای دشمنان نداشته است.

ایالات متحده آمریکا به تبعات گسترش تروریسم در غرب آسیا، به ویژه تبعات اقتصادی آن مانند مختل کردن فرایند سرمایه‌گذاری در منطقه و به خطر افتادن امنیت انتقال انرژی، توجه خاصی داشته و بنابراین در عین حال که از همه ابزارهای فشار و تحریم برای مقابله با تروریست‌هایی که رفتار آنها چنین تبعاتی برای آمریکا یا متحدانش داشته استفاده کرده است، اما استفاده ابزاری از تروریسم باعث شده در این زمینه نیز شاهد برخورد دوگانه آمریکا باشیم. از یک طرف آمریکا به تقویت مناسبات اقتصادی و کمک‌های خارجی به کشورهای خاورمیانه و همچنین آسیای مرکزی توجه نشان داده و موضوعاتی چون افزایش درآمد، توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری ملی، بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی این مناطق برای جلوگیری از رشد و گسترش تروریسم را مورد توجه قرار داده و از سوی دیگر هر جا منافع خود یا متحدانش به خطر افتاده به صورت گزینشی برخورد کرده (ترابی و رضایی، ۱۳۶: ۴۸) و حتی با دامن زدن به ناامنی، منافع اقتصادی بسیاری را نیز نصیب شرکت‌های آمریکایی فروش اسلحه کرده است. با این اوصاف می‌توان گفت برای آمریکا اساساً هر برخوردی با تروریسم تابعی از منافع اقتصادی این کشور و هم‌پیمانانش بوده است. برخورد دوگانه و گزینشی در سرکوب و حمایت از داعش یا سکوت در مقابل حمایت مالی آشکار برخی هم‌پیمانان منطقه‌ای این کشور مانند قطر و عربستان از داعش (تخشید و جلالیان مهری، ۱۳۹۴: ۴۹) و در عین حال فشار و تحریم گسترده علیه ایران به بهانه حمایت از تروریسم نماد این وضعیت است.

راهبرد اقتصادی-مالی آمریکا در مقابله با تروریسم داعش از یکسو متمرکز بر همکاری با اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای هم‌پیمان برای مقابله با تامین مالی تروریسم بوده و در این راستا آمریکا در شورای امنیت برای قطع منابع مالی داعش در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵ قطعنامه‌ای را به تصویب رساند. از سوی دیگر آمریکا همچنان به تقویت برخی گروه‌های طرفدار خود ادامه داده و مقابله اقتصادی-مالی خود با داعش را در قالب تحریم برخی کشورها به این بهانه نیز آشکار کرده تا در عمل نشان دهد که تحریم اقتصادی از یکسو و مقابله آمریکا با تامین مالی تروریسم از سوی دیگر بیشتر از آنکه برای مقابله واقعی با این پدیده باشد در راستای بهره‌برداری اقتصادی، سیاسی و امنیتی از این پدیده بوده است (درویشی و حاتم‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

رویکرد آمریکا در مقابله فرهنگی-اجتماعی با داعش بر لزوم انجام اصلاحات در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تاکید دارد (Byman and Bjerck, 2016). در واقع تصمیم‌سازان ایالات متحده بر اساس لزوم توجه به لایه‌های عمیق‌تر تروریسم در خاورمیانه، درصدد برآمده‌اند تا از طریق آنچه مهندسی سیاسی-اجتماعی-فرهنگی جوامع خاورمیانه خوانده می‌شود، اصلاحات مورد نظر خود را در راستای کاهش زمینه‌های بروز بنیادگرایی مذهبی انجام دهند. بر این اساس از دید آمریکایی‌ها دموکراسی‌سازی به عنوان هدف نهایی و غایی حضور آنها در منطقه که بیشتر راهکاری بلندمدت محسوب می‌شود، با تحول در محیط سیاسی و فرهنگی منطقه، تهدیداتی چون تروریسم داعش را کاهش می‌دهد (Kurth, 2005: 635).

با وجود آنکه شکل و رویکرد حمایت از تروریسم در دولت‌های مختلف آمریکا متفاوت بوده، اما ترویج لیبرال دموکراسی و تلاش برای دموکراسی‌سازی در کشورهای غرب آسیا، به ویژه بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به صورت خاص همواره در کانون توجه سیاستمداران کاخ سفید قرار داشته است. برای پیشبرد این سیاست ایالات متحده ناگزیر به برخورد دوگانه و متناقض هم با تروریسم و هم با دموکراسی بوده است. از یکسو این کشور در راستای مقابله با تروریسم رسانه‌های متعلق به گروه داعش را در لیست سیاه تروریسم قرار داده و تبلیغات رسانه‌ای گسترده‌ای را علیه این گروه ساماندهی کرده است و از سوی دیگر از گروه‌های تروریستی برای تضعیف یا ساقط کردن دولت‌هایی که با ساز و کار دموکراتیک به قدرت رسیده‌اند، ولی در جهت منافع آمریکا و هم‌پیمانانش حرکت نمی‌کنند، استفاده کرده است. آنچه در این راستا به سیاستمداران کاخ سفید کمک کرده اختلافات فکری و مذهبی و حتی قومی در جوامع خاورمیانه بوده که دولتمردان آمریکا آن را تبدیل به شکاف قومی یا مذهبی کرده و از این طریق نه تنها



پشتوانه فکری و فلسفی برای شکل‌گیری گروه‌های تروریستی مانند طالبان، القاعده و داعش ایجاد کرده، بلکه بدین طریق میان مسلمانان منطقه نیز اختلاف ایجاد کرده‌اند تا هم منافع خود در منطقه و هم موجودیت رژیم صهیونیستی را تامین و تضمین کنند.

### ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

#### مقایسه راهبرد ایران و آمریکا در مقابله با داعش

به منظور مقایسه دقیق‌تر راهبرد ایران و آمریکا در مقابله با داعش در ادامه ابتدا به مقایسه مبانی و رویکردهای دو کشور و سپس به مقایسه راهبردها و اقدامات آنها در حوزه‌های مختلف می‌پردازیم:

#### مقایسه مبانی و رویکردها

همچنان که گفته شد، با وجود اینکه رویکرد ایران در مقابله نظامی-امنیتی با داعش مبتنی بر بازدارندگی و دفاع بوده، اما در پاسخ به حملات داعش با رعایت حقوق و احترام به حق حاکمیت کشورها از حملات موقتی پشیمان‌کننده هم‌ابایی نداشته است، در حالی که آمریکا نه تنها دست به مداخله نظامی در کشورهای دیگر زده، بلکه با دامن زدن به ناامنی به دنبال انعقاد پیمان‌های امنیتی و فروش تسلیحات خود نیز بوده است. رویکرد ایران در مقابله سیاسی-دیپلماتیک با داعش عمدتاً یکجانبه و در مواردی مبتنی بر همکاری با برخی کشورها یا جنبش‌های اسلامی و در راستای تغییر مناسبات ناعادلانه بین‌المللی بوده، در حالی که رویکرد آمریکا مبتنی بر ائتلاف‌سازی بین‌المللی در عین استفاده ابزاری و دوگانه از تروریسم به نفع هم‌پیمانان و به زیان رقبای دشمنان و در راستای حفظ نظم امنیتی موجود بوده است.

با وجود اینکه ایران رویکرد فعال و ایجابی مانند توسعه مناطق محروم و پرداخت یارانه به اقشار آسیب‌پذیر را در حوزه اقتصادی-مالی در دستور کار قرار داده، اما از رویکرد واکنشی (جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، تصویب لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم و قانون مبارزه با پولشویی) نیز استفاده کرده است، در حالی که آمریکا اعطای کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری در مناطق آسیب‌پذیر و دارای منابع و ذخایر غنی یا موقعیت راهبردی را با هدف کسب منفعت دنبال کرده و با نام‌نشان دادن مناطق مختلف دنیا در نتیجه گسترش تروریسم و اعمال فشار و تحریم

گزینشی علیه تروریست‌ها و حامیان آنها منافع و امنیت خود و هم‌پیمانانش را دنبال کرده است. در حوزه فرهنگی - اجتماعی نیز ایران هر دو رویکرد ایجابی (آگاهی‌بخشی) و سلبی (کاهش جاذبه) را در قالب اجرای پروژه‌های ارتقای فرهنگی و اجتماعی در مناطق محروم پیگیری کرده است، در حالی که آمریکا مهندسی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی جوامع در راستای ترویج لیبرال دموکراسی آمریکایی در پوشش مقابله با با بنیادگرایی مذهبی را دنبال کرده است. شباهت و تفاوت رویکردهای ایران و آمریکا در مقابله با تروریسم داعش را در جدول زیر به صورت مقایسه‌ای می‌توان مشاهده کرد:

جدول شماره ۲: مقایسه رویکردهای ایران و آمریکا در مقابله با گروه‌های تروریستی

رویکرد/ کشور	ایران	آمریکا
نظامی-امنیتی	دفاع بازدارنده/ حمله پشیمان کننده در عین احترام به حق حاکمیت کشورها	مداخله مستقیم نظامی/ ایجاد بی‌اعتمادی میان کشورها و انعقاد پیمان امنیتی با آنها/ دامن زدن به ناامنی برای حفظ پایگاه‌های نظامی و فروش تسلیحات
سیاسی-دیپلماتیک	دیپلماسی عمومی/ اقدامات یکجانبه و منحصر به فرد/ همکاری محدود با برخی کشورها و جنبش‌های اسلامی	تشکیل ائتلاف بین‌المللی/ برخورد دوگانه با تروریسم/ استفاده ابزاری از تروریسم علیه کشورهای مخالف/ استفاده از تروریسم برای تامین امنیت هم‌پیمانان، از جمله اسرائیل
اقتصادی-مالی	رویکرد فعال (توسعه مناطق محروم و پرداخت یارانه به اقشار آسیب‌پذیر)/ رویکرد واکنشی (جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، تصویب لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم و قانون مبارزه با پولشویی)	اعطای کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری در مناطق آسیب‌پذیر و دارای منابع و ذخایر غنی یا موقعیت راهبردی/ کسب منفعت از ناامن نشان دادن مناطق مختلف دنیا در نتیجه گسترش تروریسم/ اعمال فشار و تحریم گزینشی علیه تروریست‌ها و حامیان آنها
فرهنگی-اجتماعی	بخشی/ رویکرد رویکرد ایجابی (آگاهی‌های سلبی (کاهش جاذبه) اجرای پروژه ارتقای فرهنگی و اجتماعی در مناطق محروم	مهندسی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی جوامع/ ترویج لیبرال دموکراسی آمریکایی/ مقابله با بنیادگرایی مذهبی

### مقایسه راهبردها و تاکیک‌ها

در مقایسه راهبردهای نظامی-امنیتی نقطه مشترک اقدامات ایران و آمریکا حمله نظامی به مواضع داعش می‌باشد. همچنین هر دو کشور از اقدامات پیشدستانه و پیشگیرانه و جنگ نیابتی نیز در مقابله با داعش استفاده کرده‌اند، با این تفاوت که از یکسو این اقدامات برای ایران استثنا و نه

قاعده کلی و در راستای بازدارندگی بوده و از سوی دیگر بخش زیادی از این اقدامات با خواست یا همکاری کشور مربوطه (سوریه یا عراق) انجام شده است، در حالی که این اقدامات برای آمریکا یک قاعده کلی بوده و مداخله در امور داخلی کشورها به این بهانه را بدون توجه به خواست یا حتی مخالفت آنها انجام داده است. همچنین هر دو کشور از اعزام نیرو، حمله موشکی به مواضع داعش و هواپیماهای جاسوسی و پهپادها نیز برای کسب اطلاعات و شناسایی دقیق مواضع گروه‌های تروریستی در چارچوب تفاوت ذکر شده استفاده کرده‌اند. راهبردها و تاکتیک‌های نظامی-دفاعی ایران و آمریکا در مقابله با داعش را به اجمال در جدول زیر می‌توان مقایسه کرد:

جدول شماره ۳: مقایسه راهبردها و تاکتیک‌های نظامی-امنیتی ایران و آمریکا در مقابله با گروه‌های تروریستی

کشور	راهبردها و تاکتیک‌های نظامی-امنیتی
ایران	حملات ایران به مواضع داعش در استان دیرالزور در مرز عراق و سوریه و کرانه رود فرات اقدام پیشدستانه برای خنثی کردن عملیات انتحاری قبل از پیاده‌روی بزرگ اربعین هشدار در خصوص پناه دادن به گروه‌های تروریستی منافقین کمک مستشاری به درخواست سوریه در این کشور بمباران مواضع گروه تروریستی داعش
آمریکا	اقدامات پیشگیرانه و دفاع پیشدستانه (افغانستان و عراق) جنگ نیابتی از طریق گروه‌های تروریستی از جمله داعش ایجاد منطقه پرواز ممنوع استفاده از هواپیمای جاسوسی و پهپاد برای کسب اطلاعات و شناسایی دقیق مواضع تروریست‌ها استفاده از تفنگداران دریایی ایالات متحده آمریکا برای عملیات مستقیم علیه داعش در عراق

در مقایسه میان راهبردهای سیاسی-دیپلماتیک ایران و آمریکا در مقابله با داعش این تفاوت به وضوح قابل درک است که آمریکا تحت پوشش ائتلاف بین‌المللی برای مقابله با گروه‌های تروریستی به خصوص داعش در صدد تثبیت رهبری خود بر جهان و حفظ ساختارهای موجود به نفع خود و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌اش بوده، اما ایران بیشتر سعی کرده به صورت مستقل یا در همکاری با جنبش‌های اسلامی مانند حزب‌الله لبنان به مقابله با گروه‌های تروریستی بپردازد و با کشورهای عراق، سوریه و روسیه و در برخی موارد ترکیه نیز همکاری داشته است. همچنین ایران در عین احترام به حقوق ملت‌ها و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها نه تنها با ساختارهای ناعادلانه موجود و مداخله آمریکا در امور کشورهای خاورمیانه به مقابله برخاسته، بلکه این وضعیت را منشأ ناامنی و تروریسم دانسته و آشکارا خواستار تغییر آن بوده است. مقایسه راهبردهای سیاسی-دیپلماتیک ایران و آمریکا در مقابله با داعش را به صورت خلاصه در جدول زیر می‌توان دید:

جدول شماره ۴: مقایسه راهبردها و تاکتیک‌های سیاسی-دیپلماتیک ایران و آمریکا در مقابله با گروه‌های تروریستی

کشور	راهبردها و تاکتیک‌های سیاسی-دیپلماتیک
ایران	عدم عضویت در ائتلاف بین‌المللی (آمریکایی) علیه داعش مبارزه با تروریسم به صورت مستقل و در همکاری با روسیه، عراق و سوریه احترام متقابل به حق حاکمیت سایر ملت‌ها عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها
آمریکا	تشکیل ائتلاف بین‌المللی علیه داعش، اما در واقع برای پیشبرد اهداف و منافع خود مداخله در امور دیگر کشورها استفاده ابزاری از داعش علیه رقیب و مخالفین از جمله ایران پیگیری طرح‌های تجزیه کشورهای منطقه به خصوص در عراق و سوریه

تفاوت دو کشور در راهبردهای اقتصادی-مالی مقابله با تروریسم بیشتر و جدی‌تر است؛ زیرا در حالی که ایران هنوز همه قوانین بین‌المللی مقابله با تروریسم را نپذیرفته یا اعمال نکرده، اما مقایسه اقدامات عملی نشانگر آن است که رویکرد اقتصادی-مالی ایران در مقابله با گروه‌های تروریستی، عمدتاً ایجابی، شفاف و روشن بوده و هدف آن بستن راه‌های تامین مالی این گروه‌ها و از بین بردن ریشه‌های اقتصادی تروریسم بوده که اتفاقاً به دلیل تحریم‌ها و فشارهای آمریکا دچار تاخیر یا اختلال شده است، در حالی که آمریکا با اتخاذ رویکردی عمدتاً سلبی، دوگانه و متناقض از یکسو به مسدودسازی حساب گروه‌های تروریستی و مقابله با تامین مالی آنها یا حتی کمک به توسعه اقتصادی کشورهای در معرض گسترش حوادث تروریستی پرداخته و از سوی دیگر به این گروه‌ها کمک مالی کرده یا از کمک مالی برخی هم‌پیمانان خود مانند عربستان، امارات، قطر و ترکیه چشم‌پوشی کرده است. به علاوه آمریکا با استفاده ابزاری از تروریسم به ایجاد جو رعب و وحشت دامن زده و از این طریق منافع اقتصادی بسیاری را در نتیجه فروش سلاح یا انعقاد پیمان‌های امنیتی نصیب خود کرده است. راهبردهای اقتصادی-مالی ایران و آمریکا در مقابله با داعش را به صورت خلاصه در جدول زیر می‌توان با هم مقایسه کرد:

جدول شماره ۵: مقایسه راهبردها و تاکتیک‌های اقتصادی-مالی ایران و آمریکا در مقابله با گروه‌های تروریستی

کشور	راهبردها و تاکتیک‌های اقتصادی-مالی
ایران	تصویب لایحه مبارزه با تامین مالی تروریسم تصویب قانون مبارزه با پولشویی تلاش برای ایجاد ثبات و توسعه اقتصادی پرداخت یارانه به اقشار آسیب‌پذیر و محرومین جامعه افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و مستعد برای فعالیت‌های تروریستی

کشور	راهبردها و تاکتیک‌های اقتصادی-مالی
آمریکا	مسدود کردن دارایی سازمان‌ها یا گروه‌های تروریستی تلاش برای افزایش شفافیت مبادلات مالی از طریق FATF تحریم کشورهای حامی تروریسم نادیده گرفتن فعالیت‌های تروریستی به اقتضای منافع خود و هم‌پیمانش کمک مالی به کشورهای در معرض تروریسم و کمک به پیشبرد برنامه‌های توسعه اقتصادی

در رابطه با راهبردهای فرهنگی-اجتماعی شباهتی که می‌توان در اقدامات آمریکا و ایران در مقابله با داعش یافت این است که هر دو کشور از رسانه‌ها برای تبلیغات علیه این گروه تروریستی استفاده کرده و با نشان دادن فیلم‌ها و اقدامات جنایتکارانه این گروه سعی در آگاه کردن افکار عمومی داشته‌اند تا از این طریق مانع جذب جوانان به این گروه شوند. البته در اینجا نیز برخوردهای دوگانه و گزینشی آمریکا بیش از آن بوده که نادیده گرفته شود؛ به گونه‌ای که آمریکا از یکسو علیه آنها تبلیغ کرده و از سوی دیگر از همین گروه‌ها برای دامن زدن به شکاف‌های قومی و مذهبی در کشورهای مسلمان منطقه استفاده کرده و حتی داعش را به مبارزه با ایران تشویق کرده تا از این طریق بتواند قدرت و نفوذ ایران در منطقه را تضعیف کند. مقایسه راهبردهای فرهنگی-اجتماعی ایران و آمریکا در مقابله با داعش را به صورت خلاصه در جدول زیر می‌توان دید:

جدول شماره ۵: مقایسه راهبردها و تاکتیک‌های فرهنگی-اجتماعی ایران و آمریکا در مقابله با گروه‌های تروریستی

کشور	راهبردها و تاکتیک‌های فرهنگی-اجتماعی
ایران	آگاهی‌بخشی به مردم برای جلوگیری از عضویت در گروه‌های تروریستی جرمانگاری تروریسم در قانون مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران آگاه سازی مردم از خطر وجود داعش از طریق برگزاری سخنرانی‌ها و همایش‌ها افزایش سطح سواد و آگاهی مردم نسبت به دلایل شکل‌گیری و ماهیت گروه داعش برگزاری هفته وحدت و کنفرانس وحدت اسلامی ساخت مستند تاریخی، فیلم سینمایی و سریال
آمریکا	اصلاح قوانین ایالتی و فدرال در راستای جرمانگاری تروریسم و مبارزه موثرتر با آن ترویج حقوق بشر با همکاری کشورهای اروپایی به عنوان راهکار مقابله با تروریسم ترویج لیبرال دموکراسی آمریکایی به عنوان مانع شکل‌گیری گروه‌های تروریستی فشار رسانه‌ای و قرار دان رسانه‌های گروه داعش در لیست سیاه تروریسم تبلیغات رسانه‌های گسترده علیه گروه داعش دامن زدن به اختلافات مذهبی و قومی بین مسلمانان و ایجاد شکاف در جهان اسلام

## الف) نتیجه‌گیری

هدف این مقاله مقایسه راهبردهای ایران و آمریکا در مقابله با تروریسم داعش بود و این موضوع را بر اساس تفکیک در چهار حوزه نظامی-امنیتی، سیاسی-دیپلماتیک، اقتصادی-مالی و فرهنگی-اجتماعی مورد بررسی قرار دادیم. بررسی دقیق‌تر موضوع نشان داد که در حوزه نظامی-دفاعی رویکرد ایران عمدتاً تدافعی بوده، هر چند در مواردی که داعش به حریم امنیتی جمهوری اسلامی ایران ورود کرده جنبه تهاجمی نیز پیدا کرده است، در حالی که راهبرد نظامی-دفاعی آمریکا عمدتاً مبتنی بر اقدام پیشدستانه و پیشگیرانه بوده است. راهبرد سیاسی-دیپلماتیک ایران برای مقابله با تروریسم داعش به جای پیوستن به ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا متمرکز بر حفظ استقلال یا حداکثر بر همکاری با کشورهای همسایه یا درگیر مبارزه با تروریسم مانند عراق، سوریه و روسیه بوده است. در مقابل آمریکا با تشکیل ائتلاف بین‌المللی علیه تروریسم از یکسو به دنبال تثبیت رهبری خود بر جهان بوده و از سوی دیگر از این ابزار برای تحت فشار قرار دادن کشورهایی مانند ایران که مناسبات بین‌المللی موجود را ناعادلانه می‌دانند استفاده کرده است.

در حوزه اقتصادی-مالی ایران در مقابله با تروریسم اقداماتی مانند تصویب لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی را انجام داده و در عین حال تلاش برای رسیدن به ثبات اقتصادی یا سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را هم از نظر دور نداشته است. در این حوزه آمریکا از یکسو تنبیهات شدید اقتصادی و مالی علیه تروریسم و کشورهایایی که بنا به تشخیص مصالحش حامی تروریسم تشخیص داده اعمال کرده و از سوی دیگر چشم خود را بر حمایت برخی هم‌پیمانانش از تروریسم بسته و حتی فراتر از آن خود از این گروه‌ها برای پیشبرد منافعی در غرب آسیا استفاده کرده است. در حوزه فرهنگی و اجتماعی نیز ایران مقابله ایجابی با تروریسم را در کانون توجه قرار داده و با افزایش آگاهی‌بخشی از طریق رسانه‌ها و مطبوعات یا برقراری گفتگو میان اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی از یکسو کوشیده بسترها و زمینه‌های اجتماعی رشد تروریسم را از بین ببرد و از سوی دیگر با برجسته کردن ماهیت غیردینی و خشونت‌آمیز گروه‌های تروریستی مانند داعش کوشیده باعث کاهش جاذبه این نوع گروه‌ها برای جوانان به عنوان مهم‌ترین مخاطبین آنها شود. این در حالی است که آمریکا در این حوزه نیز از استاندارد دوگانه تبعیت کرده و در عین حال که احترام به دموکراسی، حقوق بشر و شهروندی را به عنوان زمینه فرهنگی و اجتماعی مقابله با گروه‌های تروریستی از برخی کشورهای منطقه مطالبه می‌کند، اما در قبال کشورهای هم‌پیمان خود نه تنها دموکراسی و حقوق بشر را

فراموش کرده، بلکه به آنها برای حفظ ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ظالمانه و ناعادلانه فقط به این دلیل که در راستای منافع آمریکا حرکت می‌کنند کمک نیز کرده است.

نتایج بررسی حاکی از آن است که فرضیه مقاله مبنی بر اینکه اهداف متفاوت و متضاد ایران و آمریکا و ماهیت متفاوت تهدیدهای داعش برای این دو کشور باعث اتخاذ راهبردهای متفاوت از سوی آنها گردیده، در بسیاری موارد قابل تایید است. در واقع همچنان که نشان داده شد راهبرد آمریکا در مقابله با داعش عمدتاً مبتنی بر حفظ نظم بین‌المللی و منطقه‌ای موجود و راهبرد ایران مبتنی بر تغییر نظم بین‌المللی و منطقه‌ای موجود بوده است. البته در مقام مقایسه می‌توان گفت راهبرد ایران در مقابله با گروه‌های تروریستی از جمله داعش رویکردی شفاف و واضح و مبتنی بر نابودی کامل آنها بوده، اما رویکرد آمریکا در مقابله با گروه‌های تروریستی از جمله داعش رویکردی دوگانه و متناقض بوده است و این کشور همزمان ایجاد و بهره‌برداری از گروه‌های تروریستی مانند داعش و تلاش برای نابودی آنها در پوشش ائتلاف بین‌المللی از یکسو و اعمال فشار و تحریم گسترده برای تضعیف این گروه‌ها در عین بهره‌برداری از منافع مستقیم یا غیرمستقیم مادی ناشی از وجود آنها را در دستور کار خود داشته است.

### **(ب) پیشنهاد**

با توجه به این تفاوت‌ها و بر اساس اهداف متفاوتی که ایران و آمریکا از تحولات منطقه غرب آسیا دنبال می‌کنند و به ویژه به دلیل آنکه تروریسم حداقل تا مدتها یکی از مسائل اساسی منطقه خواهد بود، پیشنهاد می‌شود ایران اولاً به جای مقابله نظامی-امنیتی بر رویکردهای دیگر تمرکز کند که هم هزینه کمتری تحمیل می‌کنند و هم از اثرگذاری بیشتری برخوردار هستند. ثانیاً در رویکردهای غیرنظامی-امنیتی نیز عمدتاً بر وجه ایجابی و مقابله پایدار و بلندمدت تاکید کند. ثالثاً ایران بایستی راهبرد خود را به صورت آشکار و رسمی اعلام و از این طریق نه تنها امکان سوءاستفاده آمریکا و دیگر کشورهای غربی یا منطقه از آن را کاهش دهد، بلکه برخورد دوگانه و متناقض آنها را نیز به چالش بطلبد.

## منابع

### الف- فارسی

- ازغندی، سیدعلیرضا و سعید جهانگیری (۱۳۹۷)، «واکاوی سیاست خارجی دونالد ترامپ در خاورمیانه و چالش‌های پیش روی آن؛ ابعاد و رویکردها»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، سال دوم، شماره ۵، صص ۱-۲۵.
- الهویی نظری، حمید و امیر فامیل زوار جلالی (۱۳۹۶)، «مبانی اقدامات ائتلاف ضد داعش در عراق بر اساس حقوق مخاصمات مسلحانه»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۳۴.
- اسماعیل زاده امام قلی، یاسر و حسنعلی احمدی فشارکی (۱۳۹۵)، «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۱۲۳-۱۴۱.
- افتخاری، اصغر و علی شبستانی (۱۳۹۰)، «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم»، *فصلنامه آفاق*، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۵-۳۶.
- ایزدی، حسن و علی اکبر دبیری (۱۳۹۲)، «ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال نهم، شماره ۱، صص ۱۲۶-۹۱.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۱)، *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها*، تهران: نشر سمت.
- پوراحمدی، حسین و بهرام عباسی (۱۳۹۵)، «اقتصاد سیاسی بین‌الملل و ظهور و کارکرد داعش در خاورمیانه»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال هفتم، شماره ۴، صص ۹۱-۱۱۶.
- تحشید، محمدرضا و فاطمه جلالیان مهری (۱۳۹۴)، «سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و تروریسم در منطقه خاورمیانه پس از یازدهم سپتامبر (مطالعه موردی عراق)»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۷، شماره ۱، صص ۴۶-۵۱.
- ترابی، قاسم و مژگان رضایی (۱۳۹۶)، «راهبرد ضدتروریسم چین و آمریکا در آسیای مرکزی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰۰، صص ۲۵-۵۲.
- جونز، ست و مارتین سی لیبیک (۱۳۹۴)، *نحوه فروپاشی گروه‌های تروریستی در راهبردهای مقابله با تروریسم*، گردآوری و تدوین معاونت پژوهش و تولید علم، تهران: نشر دانشکده اطلاعات.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶)، «بیانات در دیدار مسئولان نظام». قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36824>
- خمایی‌زاده، فرهاد (۱۳۸۲)، «مبارزه با پولشویی در بانکها و مؤسسات مالی نگاهی به قانون ضد



- تروریسم ایالات متحده آمریکا»، *حقوق بین‌المللی*، شماره ۲۹، صص ۵-۲۵.
- درویشی، فرهاد و عزیزالله حاتم‌زاده (۱۳۹۲)، «روند مواجهه آمریکا و اتحادیه اروپا با تروریسم از ادراکات متفاوت تا همکاری‌های مشترک»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال نهم، شماره ۲، صص ۱۶۰-۱۳۶.
  - ذوالفقاری، مهدی و ایمان خسروی (۱۳۹۵)، «تحرك بخشی به دیپلماسی دفاعی در پرتو فرصت‌ها و تهدیدات برنامه اقدام سازمان ملل و تاثیر آن بر امنیت نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره ۱، شماره ۲۲، صص ۱۰۱-۱۲۷.
  - ذوالفقاری، مهدی و ابوذر عمرانی (۱۳۹۶)، «تاثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲۳، صص ۱۶۹-۱۷۵.
  - رابینسون، جفری (۱۳۸۱)، *شستشوی پول آلوده*، ترجمه آلبرت برناردی، تهران: نشر کلک آزادگان.
  - راجرز، پل (۱۳۹۰)، «تروریسم»، *درآمدی بر بررسی‌های امنیت*، ویراسته پل دی ویلیامز، ترجمه علیرضا طیا، تهران: نشر امیرکبیر.
  - ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۷)، «پسدادعش و معماری تروریسم در غرب آسیا»، *فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، سال ۸، شماره ۳۲، صص ۱۱۱-۸۵.
  - سپاهی، مجتبی، مریم منوچهری و محمدمهدی روحانی (۱۳۹۳)، «راهبرد فرانسه در قبال جریان‌های تکفیری در عراق و سوریه»، *فصلنامه حبل‌المتین*، سال سوم، شماره ۸، صص ۳۹-۶۰.
  - سلیمی، صادق (۱۳۸۱)، «تطهیر پول در اسناد بین‌المللی و لایحه پول شویی»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، شماره ۶.
  - سنایی، اردشیر و مونا کویانپور (۱۳۹۵)، «ظهور داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۱۴۵-۱۶۶.
  - سیمبر، رضا، علی اصغر ستوده و علی اسمعیلی (۱۳۹۵)، «راهبرد روسیه در بحران سوریه»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال نهم، شماره ۲، صص ۳۱۱-۳۲۶.
  - سیمبر، رضا، مهدی پادروند و محسن عزتی (۱۳۹۶)، «بررسی سیاست خارجی ایران در بحران سوریه با تاکید بر نظریه موازنه تهدید (۲۰۱۱-۲۰۱۷)»، *دوفصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، سال سوم، شماره ۱، صص ۷-۳۴.
  - صادقی، سیدشمس‌الدین و کامران لطفی (۱۳۹۴)، «تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال ششم، شماره ۱، صص ۷۳-۹۴.

- طبیب، علیرضا (۱۳۸۲)، *تروریسم؛ تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق*، تهران: نشر نی.
- فیرحی، داود و صمد ظهیری (۱۳۸۷)، «تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت های موجود در تحلیل پدیده تروریسم»، *فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)*، دوره ۳۸، شماره ۳.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۵)، «استراتژی ترکیه در قبال داعش»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نوزدهم، شماره ۷۳، صص ۹۳-۱۱۴.
- قیاسوندی، فاطمه و جلال ترکاشوندی (۱۳۹۶)، «آمریکا، جنگ‌های نیابتی و امنیت خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، شماره ۴، صص ۱۶۷-۲۰۵.
- کرمی، رضا و نبی سهرابی (۱۳۹۸)، «ارزیابی و سنجش تهدیدات داعش علیه ج.ا.ایران در دو مقطع قبل و بعد از فروپاشی»، *فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، سال ۹، شماره ۳۵، صص ۸۷-۱۱۳.
- مرادی، جهانبخش (۱۳۹۸)، «بررسی علل حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، سال ۱۶، شماره ۶۳، صص ۲۱-۱.
- موسوی مقدم، محمد (۱۳۸۲)، «نقد لایحه مبارزه با پول شویی»، *حقوق دادگستری*، شماره ۴۴، صص ۲۰۲-۲۱۲.
- یوسفی، جعفر (۱۳۹۵)، «نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران سوریه و عراق»، *ماهنامه پژوهش ملل*، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۲-۱۵.

#### ب- انگلیسی

- Ayoob, M (2016), "It's Time for America to Disengage from the Middle East", *The National Interest*. Available at: <http://nationalinterest.org/blog/the-skeptics/its-time-america-disengagethemiddle-east-16799>
- Benjamin, Daniel (2008), "Strategic Counterterrorism", *Foreign Policy*, Policy Paper, No. 7, Washington D.C. The Brookings Institution, October.
- Bipartisan Policy Center (2016), "Turkey vs. ISIS and PKK: A Matter of Distinction". Available at: <https://bipartisanpolicy.org/wpcontent/uploads/2016/07/0000-0000000-0000-00/20.0.0000>.
- Blanchard, Christopher M. and Carla E. Humud (2018), "The Islamic State and U.S. Policy", *Congressional Research Service*, R43612. Available at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R43612.pdf>.
- Bouziss, Kathleen (2015), "Countering the Islamic State: U.S. Counterterrorism Measures", Available at: <https://www.tandfonline.com/>

- Buzan, Barry (2006), "The 'War on Terrorism' as the New 'Macro-Securitization?'," *Paper presented at Oslo workshop*, 2- 4 February.
- Byman, D. and M. Bjerk (2016), *The United States and the Middle East: Interests, Risks, and Costs*, New York: Oxford University Press. Available at: [https://www.academia.edu/31331050/The\\_United\\_States\\_and\\_the\\_Middle\\_East\\_Interests\\_Risks\\_and\\_Costs](https://www.academia.edu/31331050/The_United_States_and_the_Middle_East_Interests_Risks_and_Costs).
- Tandfonline (2001), Causes of Violent Uighur Separatism, Regional Outlook. Available at: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09546550801920865>.
- Crenshaw, Martha (2000), "The Psychology of Terrorism: An Agenda for the 21st Century", *Political Psychology*, 21:2, June.
- Cronin, Audrey Kurth (2014), *The 'War on Terrorism': What Does it Mean to Win?*, Available at: <https://www.tandfonline.com/>.
- DOD, Department of Defense Dictionary of Military and Associated Terms ,12 April 2001,(As Amended Through 19 August 2009) ,p .39.
- -Esfandiary, Dina, Tabatabai, Ariane M (2017), "Iran's ISIS Policy", Available at: <https://www.researchgate.net/>.
- Esfandiary, Dina, Tabatabai, Ariane M (2016), "A Comparative Study of U.S. and Iranian Counter-ISIS Strategies", *Journal Studies in Conflict & Terrorism*, Volume 40, 2017 - Issue 6.
- Khalili, Reza (2017), "Iran's Strategy towards ISIS: A Theoretical Approach", *Discourse: An Iranian Quarterly*, 11 (3), 55-73.
- Kurth, James (2005), "Global Threats and American Strategies: From Communism in 1955 to Islamism in 2005", *Orbis*, Vol. 49 Issue 4.
- Mattis, Jim (2018), "National Defense Strategy of the United States of America". Available at: <https://docs.house.gov/meetings/AS/AS00/20180206/106833/0000115-0000-00000000-00000000-201802060000>.
- Parachin, John (2003), "Putting WMD- Terrorism into Perspective", *The Washington Quarterly*, Vol.45, No.2.
- Serfim, Ana (2005), "Terrorism-A Cultural Phenomenon?", *The Quarterly Journal, Spring*
- Tabatabai, Ariane (2017), "Other side of the Iranian coin: Iran's counterterrorism apparatus", *Journal of Strategic Studies*, Volume 41, 2018 - Issue 1-2.
- Tabatabai, Ariane, Esfandiary, Dina (2017), "Cooperating with Iran to Combat ISIS in Iraq", Available at: <https://www.tandfonline.com/>.
- UNTC (2005), International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism U.N. New York. September 14, 2005. Available at: [https://treaties.un.org/Pages/ViewDetailsIII.aspx?src=TREATY&mtdsg\\_no=XVIII15&chapter=18&Temp=mtdsg3&clang=\\_en](https://treaties.un.org/Pages/ViewDetailsIII.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XVIII15&chapter=18&Temp=mtdsg3&clang=_en).
- -Zarif, Mohammadjavad (2016), "How to Handle the Enabling Conditions for Extremism and Terrorism", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 7, No. 1, Winter-Spring 2016: 5-20.